

## یادداشت

## خانه‌ای برای میان راه!

**ادامه از صفحه یک** موفقیت‌هایی که در این زمینه به دست آمد باعث شد تا این روش به سرعت الگوبرداری شود و در سراسر کشور به اجرا درآید. در سال ۱۳۸۵ این روش به صورت پروتکل درمانی پرهیزمدار و ایمن مدار مستندسازی شد و به تصویب سازمان بهزیستی رسید. این روش درمانی ارزان قیمت بود و کارایی قابل قبولی هم داشت و به همین دلیل هم مورد استقبال واقع شد. اما مدتی بعد از فراگیری مدل پرهیزمدار، این شیوه درمانی از مسیر اصلی خود منحرف شد؛ به طوری که دیوارهای بلند جانشین اعتماد و عشق بین بیمار و کادر درمانی شد و کمیت و کیفیت درمان راتحت تأثیر قرار داد و اثربخشی این مدل درمانی کاهش یافت.

دیوارهای بلند رابطه مبتنی بر اصول انسانی را بین بیمار و کادر درمانی نابود کرد و اقتصاد مراکز را رونق بخشید. در این شرایط دیگر نیاز نبود کادر درمان برای کسب رضایت بیمار کار انجام دهد. با این شرایط حتی اعمال خشونت علیه بیمار هم امکان پذیر بود؛ چون بیمار به آسانی قادر نبودند از مرکز خارج شوند؛ دقیقاً به همین دلیل است که می‌گویم مراکز درمان اعتبار نباید دیوار داشته باشد بلکه باید حضاری کوتاه یا فانس داشته باشد که در صورتی که بیمار به علت برفتاری یا خدمات دهی نامناسب تمایل به ماندن در مرکز ندارند، بتوانند از آن خارج شوند، به خصوص حالا که مدل درمانی پرهیزمدار تبدیل به یکی از شیوه‌های رایج درمان اعتبار در کشور شده و راه اندازی این مرکزیک شغل محسوب می‌شود. هیچ بیماری با زور و اجبار و دیوار بلند درمان نمی‌شود، حتی اگر یک سال هم در مرکز اقامتی درمان اعتبار نگهداری شود. به همین دلیل هم هست که اینقدر آمار بهبودی در مراکز درمان اقامتی اعتبار اندک است. مسئولان علت آمار پایین بهبودی را این طور تحلیل می‌کنند که به دلیل اینکه بیمار بعد از خروج از درمان مهارتی ندارد و نمی‌تواند کاری برای خود دست و پا کند، دوباره به اعتبار روی می‌آورد. به همین دلیل مدتی است که روی توانمندسازی بیمار و حرفه آموزش آنها بسیار تأکید می‌کنند. آنچه مسئولان دست روی آن گذاشته‌اند، کاملاً غلط نیست. شاید این عامل در عود تعداد کمی از بیماران اثرگذار باشد اما آنها این نکته را فراموش کرده‌اند که بیشتر این بیماران کسانی هستند که روزی روزگاری شغل و حرفه‌ای داشتند و در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، ادارات و شرکت‌ها کار می‌کردند و برای کشور ارزش افزوده ایجاد می‌کردند، بنابراین حتماً حرفه‌ای بلد هستند.

به نظر من، علت اصلی این همه عود و بازگشت دوباره بیماران به مصرف دلایل دیگری دارد؛ دلیل اول همانطور که گفتیم این است که فرآیند درمانی به درستی در مراکز اقامتی درمان اعتبار انجام نمی‌شود، به طوری که بیمار به دلیل حضور در مکانی بسته و به ناچار قطع مصرف می‌کنند اما درمان نمی‌شوند. برای اینکه بیمار بتوانند در برابر مصرف دوباره مواد خود را کنترل کنند و عود نکنند، باید یک عامل درونی آنها را از این کار بازدارد. این تغییر زمانی رخ می‌دهد که بیمار در مراکز اقامتی خدمات بازتوانی و بهبودی را به درستی دریافت کرده باشند. دلیل دومی که باعث می‌شود بیمار پس از خروج از مراکز درمانی لغزش کنند، طردشدگی، عدم پذیرش از سوی خانواده و جامعه و بی‌جا و مکان بودنشان است. بنابراین آن چیزی که نیاز دارند این است که بتوانند خودشان را در حلقه اول به خود و سپس خانواده و جامعه اثبات کنند. همچنین لازم است که برنامه‌های آموزشی و بازتوانی برای خانواده‌ها هم در برنامه‌های اقامتی گنجانده شود، زیرا ممکن نیست بتوان بیمار را به تنهایی بازتوانی کرد و خانواده‌های آنها نیز به برنامه آموزشی جامعه‌ای در کنار بیمارشان نیاز خواهند داشت.

به نظر می‌رسد حلقه مفقوده درمان این بیماران بی‌توجهی به اختیار و حق انتخاب افراد در حال بهبودی برای یک زندگی آزادانه توأم با مسئولیت فردی است. به عبارت دیگر، بی‌توجهی به مرحله‌گذاری است که باید طی کنند تا توسط خانواده و جامعه پذیرفته شوند. این مرحله در کجای می‌تواند اتفاق بیفتد؟ به نظر من «خانه‌های میان راهی» بهترین مکان برای طی کردن این مرحله‌گذار است.

«خانه‌های میان راهی» این فرصت را به بیمار می‌دهد که مسئولیت زندگی‌شان را برعهده بگیرند و برای ساختن دوباره زندگی‌شان تلاش کنند. بدون اجبار بیرونی بلکه با توجه به ندای درون مواد مصرف نکنند. به زندگی‌شان نظم و انضباط بدهند و به دنبال شغل یا فتن شغلی باشند. نکته مهم در مورد «خانه‌های میان راهی» این است که بیمار در حال بهبودی نه در فضای ایزوله و آزمایشگاهی بلکه در بطن جامعه و زندگی واقعی با همه مشکلات و نامالایمت‌هایی که دارد، جامعه‌پذیری را تمرین کنند. تلاش کنند که پاک بمانند، شغلی برای خود دست و پا کنند و درآمد داشته باشند. در چنین شرایطی است که بیمار در حال بهبودی آهسته‌آهسته می‌توانند اعتماد از دست رفته خانواده‌های آنها را طرد کرده، جلب کنند تا شاید دوباره آنها را بپذیرند.

من فکرمی‌کنم تلاش مددکاران و روانشناسان مراکز اقامتی درمان اعتبار برای وصل کردن بیمار به خانواده‌هایشان به این دلیل در بیشتر مواقع با شکست مواجه می‌شود که نه خانواده به بیماری که فقط برای مدتی قطع مصرف کرده است، اعتماد کند و نه حتی بیمار در مدت حضورش در مرکز درمانی اعتماد به نفس لازم برای بازگشت به زندگی عادی را به دست آورده است. حرف من این است که اگر می‌خواهیم به پاک ماندن بیمار پس از خروج از مراکز درمان اعتبار کمک کنیم، بهترین کاری که می‌توانیم برای آنها انجام دهیم این است که فرصتی برای تمرین زندگی در فضای واقعی جامعه برای آنها فراهم کنیم. بادر اختیار قرار دادن مکانی برای زندگی شرایطی برای آنها فراهم کنیم که بتوانند اعتماد به نفس از دست رفته‌شان را با تلاش و کوشش خودشان ترمیم کنند. من فکرمی‌کنم در اختیار قرار دادن شغل یا اعطای وام به بیمار در حال بهبودی تبعیضی مثبت به نفع آنها فرض می‌شود با این امید که به زندگی عادی بازگردند، در حالی که همین تبعیض مثبت در شرایطی که فرد در حال بهبودی روند درمان را به درستی طی نکرده باشد و به استقلال ذهنی و اجتماعی نرسیده باشد نه تنها به نفع آنها نیست بلکه می‌تواند انگیزه کار و تلاش برای اجتماع‌پذیری را از آنها بگیرد. این امتیازاتی می‌تواند حکم لقمه آماده‌ای را داشته باشد که این بیماران را خفه کند!



پلیس تهران به دنبال ردی از عاملان قتل یک پیرمرد میلیاردی است

## معمای قتل گدای ثروتمند در شرق پایتخت

عاملان این جنایت بدون هیچ درگیری و تخریب وارد خانه شده‌اند؛ این یعنی ممکن بود که قتل از سوی یک آشنا رخ داده باشد. البته همه اینها در حد فرضیه بود.

مأموران پلیس در ادامه یک دفترچه بانکی از مقتول در خانه‌اش پیدا کردند؛ دفترچه‌ای که نشان می‌داد مبلغ ۲۲۰ میلیون تومان به حساب بانکی‌اش واریز شده است؛ البته این واریزی مربوط به حدود ۶ سال قبل بود. چندین فیش قبض بانکی نیز در خانه او کشف شد که این نیز حکایت از آن داشت که ایرج پول‌های زیادی را در حساب‌های بانکی‌اش جابه‌جا می‌کرده است. از سوی دیگر احتمال می‌رفت مقتول در خانه‌اش پول نقد زیادی نگهداری می‌کرده است و عاملان قتل از کمد او مبلغ زیادی پول یا دلار و اموال قیمتی سرقت کرده باشند.

با این حال هنوز علت مرگ معمای این گدای میلیاردی هنوز مشخص نیست. جسد مرد سالخورده نیز برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. همچنین به دستور بازپرس جنایی، دوربین‌های محل حادثه و حساب‌های بانکی مقتول برای شناسایی عامل یا عاملان قتل بررسی شد تا زوایای پنهان این جنایت مرموز فاش شود.

برمی‌گشت ولی تا آنجا که می‌دانیم مرد ثروتمندی بود؛ البته تنها بود و زن و بچه نداشت. فقط یک خواهر در شهرستان داشت.

حتی دوست و رفیق هم نداشت. چند روزی بود که او را نمی‌دیدیم. تصور می‌کردم که به مسافرت رفته باشد تا اینکه از دیروز بوی بسیاری بدی از خانه‌اش می‌آمد. برای همین با همسایه‌های دیگر صحبت کردم که آنها نیز از ایرج بی‌خبر بودند. وقتی به خانه‌اش مراجعه کردیم، متوجه شکستگی شیشه پنجره زیرزمین خانه شدیم. به همین دلیل به مسأله مشکوک شدیم و با پلیس تماس گرفتیم.

او ادامه داد: «هیچ صدایی یا غریبه‌ای در خانه‌اش نشنیده و ندیدیم و هیچ فرد مشکوکی هم نظر ما را در این چند روز جلب نکرد. نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است. حتی صدای درگیری هم نشنیدیم.»

### قتل با انگیزه سرقت

این در حالی بود که پزشکی قانونی در نظریه اولیه خود اعلام کرد که ۱۰ روز از مرگ ایرج می‌گذرد. همچنین تیم جنایی در خانه این مرد با به هم ریختگی وسایل مواجه شدند. همین موضوع نشان می‌داد که احتمالاً او قربانی یک نقشه سرقت شده باشد.

تجسس‌های بعدی نشان داد که

که برای او اتفاقی افتاده باشد بنابراین با پلیس تماس گرفتند. تیم عملیات به کمک نیروهای آتش‌نشانی در خانه ویلایی را باز کرده و وارد آنجا شدند. آنها در زیرزمین خانه با جسد یک مرد میانسال مواجه شدند. این مرد با یک نخ جعبه شیرینی خفه شده بود. همچنین دست و پایش هم با طنابی بسته شده بود.

با لور رفتن راز این جنایت موضوع به قاضی حبیب‌الله صادقی بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع داده شد. همچنین مأموران پزشکی قانونی نیز به تحقیق در این زمینه پرداختند. ادامه تجسس‌ها نشان داد که مقتول پیرمردی گدا بوده که پول زیادی در خانه‌اش نگهداری می‌کرده است.

### بوی تعفن

مأموران پلیس بلافاصله به تحقیق دقیق‌تر از همسایه‌ها پرداختند. یکی از آنان به تیم تجسس گفت: «ایرج ۷۰ سال داشت. ۲۰ سال بود که در این خانه ویلایی به تنهایی زندگی می‌کرد. هیچکس به خانه‌اش رفت و آمد نداشت.»

خودش هم مرد ساکتی بود. او هر روز صبح از خانه خارج می‌شد، اطراف محل و گاهی هم بیرون از محل گدایی می‌کرد. لباس مبدل می‌پوشید و از مردم پول می‌گرفت. شب‌ها هم به خانه‌اش

هر روز صبح با لباس مبدل از خانه‌اش خارج می‌شد، دست‌گدایی به سوی دیگران دراز می‌کرد؛ شب‌ها با جیب پر از پول به خانه برمی‌گشت. گدای میلیاردی که حالا به طرز مرموزی در خانه‌اش کشته شده است. سناریوی مرگباری که احتمال می‌رود به قصد سرقت اجرا شده باشد. معمای قتل ایرج هفتاد ساله حالا در مقابل پلیس و بازپرس جنایی پایتخت قرار گرفته است؛ گدای ثروتمندی که با بند جعبه شیرینی خفه شد و عاملان این جنایت با سرقت اموال این مرد پا به فرار گذاشتند. حالا پلیس به دنبال ردی از این جنایت مرموز در شرق تهران است.

راز این جنایت معمایی صبح روز دوشنبه، سی‌ام فروردین امسال فاش شد؛ زمانی که پلیس در جریان بوی تعفن از یک خانه ویلایی قدیمی قرار گرفت، همسایه‌ها با پلیس تماس گرفته و از بوی بد خبر داده بودند. بلافاصله مأموران کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در محل حادثه به تحقیق در این باره پرداختند. با حضور پلیس در محل در نزدیکی خیابان استخر مشخص شد که در این خانه ویلایی مردی مسن به تنهایی زندگی می‌کرد.

از آنجا که چند روزی از صاحب خانه خبری نبود، همسایه‌ها احتمال می‌دادند

### خبر

## میلیون‌ها راه‌های دستگیر شد

کلاهبرداری با وعده میلیون‌نشدن ۱۰۰ کارت بانکی شهروندان را اجاره کرده بود.

در پی رصد و پایش روزانه فضای مجازی، کارشناسان پلیس فتا تعدادی کانال در شبکه‌های اجتماعی شناسایی کردند که با تبلیغات دروغین و وعده میلیون‌نشدن کاربران شبکه‌های اجتماعی را به اجاره کارت‌های بانکی شان ترغیب می‌کردند.

بررسی موضوع در دستور کار قرار گرفت و کارآگاهان پلیس فتا در بررسی‌های تخصصی به دست آوردند که مدیر تمامی این کانال‌ها یک نفر است که با هویت

غیر واقعی با وعده میلیون‌نشدن در زمانی کوتاه تعداد فراوانی از کارت‌های بانکی شهروندان را اجاره کرده است. با شناسایی هویت واقعی متهم و مخفیگاه او در شرق تهران، او با هماهنگی‌های قضائی در مخفیگاهش دستگیر شد و به همراه تجهیزات الکترونیکی به پلیس فتا انتقال یافت. متهم پس از انتقال به پلیس فتا به جرم خود اعتراف کرد و گفت که با تبلیغات پررنگ و وعده میلیون‌نشدن کارت بانکی افراد را اجاره و در سایت‌های شرط‌بندی از آنها استفاده می‌کردم و حدود ۳ میلیارد ریال از

شهروندان کلاهبرداری کرده‌ام. رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات تهران بزرگ با تأکید بر اینکه مسئولیت تمامی تراکنش‌های بانکی برعهده مالک کارت است، به شهروندان توصیه کرد: «به هیچ عنوان کارت و شماره حساب بانکی خود را در اختیار دیگران قرار ندهند و فریب تبلیغات اغواکننده و میلیون‌نشدن یک شبه سودجویان را نخورند، همچنین از شهروندان عزیز خواهشمند است هر گونه موارد مشکوک را از طریق سایت اینترنتی پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir اطلاع‌رسانی کنند.»